

رده‌شناختی ساخت موصولی در زبان فارسی

سولماز محمودی*

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آتاترک، ارزروم، ترکیه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶)

چکیده

ساخت موصولی یک گروه حرف تعریف مرکب است که شامل هسته موصولی و بند موصولی است و آن دو با هم یک سازه نحوی تشکیل می‌دهند. این ساخت توزیع گروه حرف تعریف را دارد. بند موصولی فارسی بند پیرو پس‌اسمی است که دارای ترتیب خطی حرف تعریف اسم بند است. این مقاله با تحلیل ۱۲۰۰ جمله حاوی بند موصولی که برگرفته از آثار زبان‌شناسان و دست‌نویسانی همچون انوری، شفائی، غلامعلی‌زاده، لازار، باطنی، نجفی، مشکوة‌الدینی... است، به بررسی بندهای موصولی فارسی براساس مطالعات بین‌زبانی و البته درون‌زبانی می‌پردازد که شامل راهبردهای مختلفی است برای صورت‌بندی ساخت موصولی (ارتقاء ضمیر موصولی و به‌جاماندن ردّ و یا اشتقاق در پایه‌بودن متمم‌نما و حضور ضمیر ابقایی/خلاء در جایگاه موصولی)، شقوق بند موصولی به‌لحاظ حضور هسته، سلسله‌مراتب جایگاه هسته (برونی، درونی)، و ترتیب خطی هسته (آغازی، پایانی) و بند، انواع هسته در بند موصولی توصیفی و توضیحی، ترتیب جایگاه حرف تعریف، هسته اسمی و بند موصولی در زبان فارسی، جایگاه وقوع موصولی‌سازی، ضمیر ابقائی، امکان و عدم امکان لانه‌گیری بندهای موصولی و امکان و عدم امکان حرکت بند موصولی. بنابراین، ابتدا براساس مشاهدات به تعمیم و توصیف همگانی می‌رسیم و سپس، از تشابهات بین زبان‌ها که از طریق مقایسه بین‌زبانی به دست می‌آید، تبیین می‌دهیم که علت شباهت و تمایل زبان‌ها می‌تواند اشتراک تاریخی، شناختی، پردازشی، معنایی و کاربردشناختی باشد، زیرا ملاحظات نقش مؤلفه‌های برون‌زبانی در توصیف رده‌شناختی اجتناب‌ناپذیر است..

کلیدواژه‌ها: بند موصولی، ضمیر ابقائی، حرکت بند، هسته موصولی، لانه‌گیری، هسته‌نما، رده‌شناسی.

*E-mail: solmaz.mahmoodi@grv.atauni.edu.tr

۱. مقدمه

رویکرد نحو مبتنی بر پارادایم صورت‌نگراست. زبان‌شناسی صورت‌نگرا/ زایشی با وجود تفاوت با رده‌شناسی به‌لحاظ بنیان‌های فلسفی (به ترتیب عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی)، روش دستیابی به تعمیم و همگانی زبانی (از طریق ملاحظات نظری و الگوهای درون‌زبان یعنی روش قیاسی^۱ یا مطالعات بین‌زبانی و داده‌های تجربی یعنی روش استقرائی^۲)، نوع همگانی‌ها، و نوع تبیین وجود همگانی‌ها (که اولی زبان‌شناسی را با علم ژنتیک و تحلیل برای شناخت، یافتن منشاء و ماهیت ذهنی واحدهای زبانی عجین می‌کند و دومی زبان را به مطالعه جهان مادی و پیرامون و مانند آنها مرتبط می‌کند)، هر دو به همگانی‌ها اعتقاد دارند و هر دو به تحلیل ساخت زبان و به این پرسش که «زبان ممکن بشری چگونه است»، می‌پردازند. از این‌رو، تحلیل رده‌شناختی ساخت موصولی، ویژگی و تمایلات بند موصولی فارسی براساس داده‌های زبانی برگرفته از آثار نوشتاری هدف پژوهش حاضر است.

۲. پیشینه تحقیق

کرافت^۳ (2003: 149) با ذکر مثالی نشان می‌دهد که فارسی در جایگاه مفعول صریح می‌تواند موصولی‌سازی کند.

(۱) جان مردی را که زن زد، می‌شناسد (یعنی «زن آن مرد را زد»).

1 deductive

2 inductive

3. Croft

او همچنین با مثال (۲) نشان می‌دهد که زبان فارسی نمی‌تواند در جایگاه مفعول غیر صریح موصولی‌سازی کند، زیرا در آن جایگاه ضمیر به کار نمی‌رود.

(۲) من زنی را که جان به * (او) سیب‌زمینی داد می‌شناسم.

او می‌افزاید بعضی از زبان‌ها از طریق استفاده از ضمیر موصولی و به‌جا گذاشتن رده در جای اصلی موصولی‌سازی می‌کنند. و در بعضی از زبان‌ها موصولی‌سازی با استفاده از ضمیر و متمم‌نما انجام می‌شود. اشکالی که در این تحلیل وجود دارد این است که کرافت دو موضوع را با هم خلط کرده است: اول مسأله جایگاه موصولی‌سازی است؛ به‌عنوان مثال در زبان فارسی دو جایگاه فاعل و مفعول صریح موصولی می‌شود. دوم، مسأله استفاده از ضمیر یا رده در جای اصلی است. علاوه بر این اگر ضمیر اختیاری (او را) (که به باور کرافت یک راهبرد دیگر از موصولی‌سازی است)، در جمله (۱) به کار رود در آن صورت باید گفت فارسی در جایگاه مفعول صریح هم نمی‌تواند موصولی‌سازی کند، مانند جمله (۳).

(۳) جان مردی را که زن * (او را) زد می‌شناسد.

دووریز^۱ (8: 2001) معتقد است از آنجاکه در ساخت موصولی زبان عربی از هسته‌نمای موصولی استفاده می‌کند، فارسی از متمم‌نما و سواهیلی^۲ از ضمیر ابقائی، آنها در سه گروه متفاوت طبقه‌بندی می‌شوند. ذکر این نکته ضروری است که هر سه زبان از یک راهبرد موصولی‌سازی استفاده می‌کنند.

1. De vries
2. swahili

کینن^۱ (1985: 147) در خصوص حضور ضمیر ابقایی در بند موصولی معتقد است تمایل زبان‌ها به این صورت است که اگر هسته درون بند، فاعل بند موصولی باشد، هرگز به صورت ضمیر شخصی ظاهر نمی‌شود. اگر هسته درون بند، مفعول بند موصولی باشد، معمولاً به صورت ضمیر شخصی بیان شود. هسته‌های پایین‌تر در سلسله‌مراتب دسترسی بیشتر، تمایل دارند که به صورت ضمیر در درون بند بیان شوند. بندهای موصولی که از گروه اسمی محذوف استفاده می‌کنند، با متمم‌نمای کلی و نه ضمیر موصولی آغاز می‌شوند که هرگز نقش ضمیر یا اسم را ایفاء نمی‌کند. در سلسله‌مراتب دستوری هر چه جایگاه موضوع پایین‌تر باشد، حذف هسته درون بند سخت‌تر است. بند موصولی پس‌اسمی برخلاف بند موصولی پیش‌اسمی حرف اضافه سرگردان را مجاز می‌دارد.

صفوی (۱۳۸۰: ۱۵۷) در خصوص امکان درونه‌گیری بند موصولی فارسی، معتقد است درونه‌گیری در جایگاه فاعل بند پیرو منجر به نادرستی شدن جمله می‌شود. درونه‌گیری در جایگاه مفعول بند پیرو جملات نامصطلح را به دست می‌دهد. امکان درونه‌گیری در موصولی‌سازی متمم و مضاف‌الیه بند پیرو به جملات دستوری منجر می‌شود. همان‌طور که خواهیم دید درونه‌گیری بند موصولی در هر جایگاهی ممکن است، اما بسامد وقوع آنها به مراتب کمتر از بندهای درونه‌گیری نشده است.

1. Keenen

۳. راهبردهای مختلف برای صورت‌بندی ساخت موصولی

در جایگاهی که موصولی‌سازی اتفاق می‌افتد، زبان‌ها از دو راهبرد برای صورت‌بندی ساخت موصولی استفاده می‌کنند.

۱- ارتقاء و به‌جاماندن رده: در ساخت موصولی از ضمیر موصولی استفاده می‌شود و بعد از حرکت آن به مشخص‌گر گروه متمم‌نما، رده در جای اصلی به‌جا می‌ماند. زبان انگلیسی از این راهبرد استفاده می‌کند.

۲- اشتقاق در پایه: نوعی ساخت موصولی است که به جای ضمیر موصولی از متمم-نما (که) استفاده می‌کند که به صورت اشتقاق در پایه آغازگر بند پیرو است و به جای رده، ضمیر مستقل، واژه‌بست و یا خلاء در جایگاه موصولی به‌جا می‌گذارد. تحلیل ارتقاء به دلایلی در ساخت موصولی فارسی کارآمد نیست:

الف) حرکت هسته اسمی از درون بند افزوده اصل همجواری را نقض می‌کند، سازه حرکت‌یافته و رده به‌جا مانده از حرکت در یک چرخه نیستند و سازه نمی‌تواند بر رده تسلط سازه‌ای داشته باشد. جایگاه تهی که بر واژه‌بست تسلط سازه‌ای دارد نمی‌تواند رده به‌جا مانده از حرکت باشد.

(۴) آن پسری که من فکر می‌کنم اگر کیمیا pro: می‌دیدتش؛ خیلی خوشحال می‌شد (Karimi, 2001: 14).

ب) مرجع‌دار نمی‌تواند مقید بشود، مگر این که هسته در بند موصولی بازسازی شود و دلیل این که چنین چیزی در بند موصولی امکان‌پذیر نیست، این است که هسته در بیرون بند ثابت شده و نمی‌تواند در بند موصولی بازسازی شود، زیرا حاصل حرکت نیست. لازمه بازسازی این است که یک کپی از مرجع در جایگاه بازسازی

وجود داشته باشد. این معلول در رویکرد هسته‌برونی تحقق نمی‌یابد، زیرا هسته بند موصولی حاصل ارتقاء نیست.

(۵) *داستان‌هایی راجع به همدیگر؛ که امید به پری؛ --- می‌گفت دروغ بود.

بنابراین برخلاف باور کرافت (Croft, 2003: 149) خلاء و ضمیر ابقائی دو راه‌کار مجزا برای موصولی‌سازی نیست. در این نوع ساخت موصولی که ویژه‌زبانی همچون فارسی است، همزمان هر سه عنصر متمم‌نما، نشانه موصولی (توصیفی) و ضمیر ابقائی / خلاء به کار می‌روند. بنابراین، برخلاف ادعای دووریز حضور آنها در توزیع تکمیلی با هم نیست و هر یک در جایگاه‌های مختلف ذیل هسته‌های نقشی مختلف (متمم‌نما و حرف تعریف) واقع می‌شوند. این مسأله زبان‌ویژه است.

جدول (۱): عناصر موصولی فارسی با توجه به پنج نقش

ضمیر ابقائی			نشانه موصولی (ی)	متمم‌نما (که)	نوع ←	نقش/مشخصه ↓
خلاء (pro)	واژه‌بست	ضمیر				
حرف تعریف	حرف تعریف	حرف تعریف	حرف تعریف	متمم‌نما	نوع مقوله‌ای	
+	+	+ (بند پیرو)	+ (بند اصلی)	-	حالت	
+	+	+	+	-	مشخصه (شخص/شمار)	
بند پیرو	بند پیرو	بند پیرو	بند اصلی	آغاز بند	جایگاه آن در جمله	
	-	+	-	+	تکواژ مستقل و نه وند	

۴. شقوق بند موصولی به لحاظ حضور هسته، سلسله‌مراتب جایگاه هسته (برونی / درونی)، و ترتیب خطی هسته (آغازی / پایانی) و بند

بند موصولی در زبان‌ها به لحاظ حضور و عدم حضور هسته انواع مختلفی دارد:

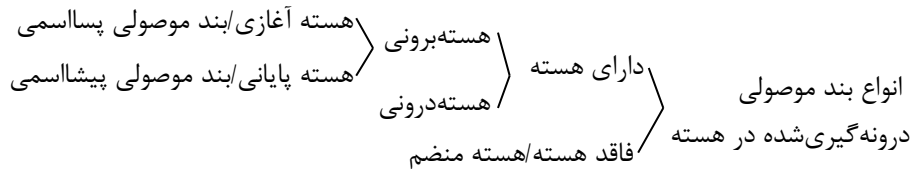
۱- هسته‌دار: بند توسط یک سازه اصلی به مطالب پیرامونی متصل می‌شود.

الف) هسته‌برونی: سازه محوری، سازه مشترک (از نظر معنایی) بند اصلی و بند موصولی است و اغلب گروه اسمی است که اگر در بند اصلی ظاهر شود، ساخت موصولی هسته‌برونی حاصل می‌شود. یعنی هسته به عنوان مرجع تعیین می‌شود و باعث می‌شود یا بند موصولی دارای خلاء باشد یا با ضمیر موصولی پر شود که خود دارای دو نوع هسته‌پایانی (مانند زبان ترکی) و هسته‌آغازی (مانند بند موصولی در زبان انگلیسی و فارسی) است.

ب) هسته‌درونی: اگر هسته در بند ظاهر شود، ساخت موصولی هسته‌درونی حاصل می‌شود. در این صورت بند اصلی دارای خلاء خواهد شد که این خلاء یا با کل ساخت موصولی پر می‌شود یا با ضمیر اشاره، مثل ساخت موصولی همبسته^۱ در زبان هندی که بند موصولی در آن پیش‌آیند می‌شود.

۲- بدون هسته/ هسته منضم‌شده: بند موصولی آزاد در زبان فارسی دارای هسته منضم‌شده است.

¹ correlative



نمودار (۱): انواع بند موصولی درونه‌گیری شده در هسته

۵. نوع هسته بند موصولی

۵-۱. هسته بند موصولی توصیفی

بند موصولی بند پیروی است که از یک بند توضیحی (بدلی)^۱ یا تحدیدی (توصیفی)^۲ تشکیل شده و اطلاعاتی در خصوص هسته بند پایه ارائه می‌دهد. بند موصولی توصیفی، هسته اسمی را توصیف و طیفش را محدود می‌کند. حضور هسته‌نمای^۳ «ی» موصولی در کنار هسته اسمی، بند را محدود به مصداق می‌کند. بند موصولی گرچه افزوده‌ای برای هسته‌اش است و حذف آن خللی در دستوری-بودن جمله ایجاد نمی‌کند، اما حذف بند موصولی توصیفی موجب تغییر معنا می‌شود. هسته اسمی در بندهای موصولی فارسی نکره (مشخص و نامشخص) و یا معرفه است و از سلسله‌مراتب معرفگی همگانی نقل شده در (Croft, 2003: 132)، تبعیت می‌کند. به عبارتی دیگر، ساخت‌های موصولی با هسته نکره نامشخص به مراتب کمتر از ساخت موصولی نکره مشخص و معرفه است.

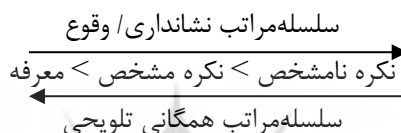
(۶) یک ماشین را دیدم که سه چرخ داشت (هسته: نکره مشخص با نشانه «را»).

1 nonrestrictive(Appositive)

2 restrictive

3 Head marker

- (۷) یک چاهی هست که حالا خرابه (هسته: نکره مشخص بدون «را»).
- (۸) کسی که درست را تشخیص می‌دهد، درست عمل می‌کند (هسته: نکره نامشخص).
- (۹) آقای که دیروز در بانک نوبتش را به شما داد، همسایه ماست (هسته: معرفه).
- (۱۰) اولین چراغ قرمزی که دیدید، بیچید به راست (هسته: مشخص).



شکل (۱): سلسله مراتب نشاننداری و همگانی تلویحی

۵-۲. هسته در بند موصولی توضیحی

هنگامی که هسته اسمی برای شنونده مشخص باشد و بند موصولی اطلاعاتی اضافی در مورد هسته که از پیش شناخته شده است، ارائه کند، آن بند بند موصولی توضیحی است. به عبارتی این نوع ساخت با مکث و نبودن «ی» پس از هسته و بندی که توضیحی در مورد آن هسته می‌افزاید، ساخته می‌شود. امکان حذف این نوع بندها از بند پایه بدون آن که خللی در انتقال معنا رخ دهد، وجود دارد. بند موصولی توضیحی برخلاف بند موصولی توصیفی با انواع خاصی از هسته‌های اسمی، مثلاً هسته بدون نشانه، اسم خاص، ضمیر شخصی و اسم جنس به کار می‌رود. در فارسی همانند انگلیسی، سلسله مراتب هسته‌های بالقوه بند موصولی توضیحی به این صورت است که اسم خاص بیشترین دسترسی و ضمیر شخصی کمترین دسترسی را به بند موصولی دارد:

اسم خاص > گروه اسمی معرفه > اسم جنس > گروه اسمی نکره > ضمائر شخصی

(۱۱) آب را که مایه حیات است هدر ندهید (هسته: اسم جنس).

(۱۲) یک مرد وارد شد که من او را نمی‌شناختم (هسته: نکره با حرف تعریف نکره).

(۱۳) در آن زمان‌ها یک عمله گرسنه بالاتر از آسمان شعله گرفته، خدا را می‌دید که نگاهش می‌کند (اسم خاص).

(۱۴) آن مرد مسن که کیف دستش بود، معلم من است (هسته: معرفه با حرف تعریف).

(۱۵) راننده که هی نیش ترمز می‌زد را می‌شناختم (هسته: نکره مشخص).

(۱۶) من که درس خونم، همیشه از همه عقب‌ترم (هسته: ضمیر).

(۱۷) امید که عضو شکاک کلاس بود --- (هسته: اسم خاص).

۶. ویژگی بند موصولی و ترتیب جایگاه حرف تعریف، هسته و بند موصولی

۱- در فارسی موصولی‌سازی به صورت هسته - بند بازنمایی می‌شود. بند موصولی پس‌اسمی رایج‌ترین نوع بند در جهان و صورت غالب و زایا در زبان‌هایی با ترتیب فاعل فعل مفعول است (Keenen, 1985: 144).

۲- هسته اسمی دارای هسته‌نما: وجود هسته اسمی دارای هسته‌نمای «ی» معیاری است برای تشخیص بند موصولی توصیفی از دیگر جملات مرکب زبان، اما همه زبان‌ها از آن استفاده نمی‌کنند؛ اینجاست که تنوع میان زبان‌ها شروع می‌شود.

۳- هسته همزادی در بند دارد: بند موصولی شامل گروه اسمی هم‌مرجع یا برابر با هسته اسمی است.

۴- بند با متمم‌نمای «که» آغاز می‌شود.

۵- ناهماهنگی مقوله‌ای بین هسته و همزادش در بند وجود دارد.
 ۶- حرف تعریف معرفه در جایگاه هسته، گروه حرف تعریف واقع می‌شود که می‌تواند جای کل هسته اسمی قرار بگیرد. بنابراین، در فارسی حضور حرف تعریف به‌عنوان هسته در جایگاه ماقبل بند موصولی برخلاف بند متممی، اختیاری است. حذف حرف تعریف ملزم به حضور هسته‌نمای «ی» در کنار اسم است.

(۱۸) آن (کس) که نمی‌تواند عشق بورزد، تقدیری جز مرگ ندارد.

(۱۹) این (واقعیت) که او نمی‌تواند در انتخابات رای بیاورد، دردناک است.

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد مشاهده داده‌های زبان فارسی ما را به این تعمیم و توصیف همگانی تلویحی سوق می‌دهد که هرگاه ترتیب عناصر سازنده جمله مرکب حاوی بند موصولی به صورت هسته اسمی بند^۱ باشد آنگاه ترتیب حرف تعریف هسته اسمی^۲ را در زبان خواهیم داشت.

جدول (۲): توزیع انواع زبانی مشاهده‌شده و نشده نقل‌شده در (Croft, 2003:54)

	Dem N	N Dem
Rel N	√	–
N Rel	√	√

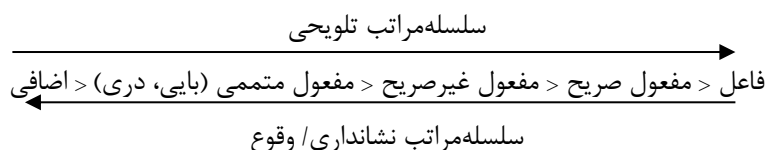
-
1. Noun Relative clause
 2. Demonstrative Noun

همبستگی و ارتباط معنی‌دار، دو پارامتر مختلف در جدول فوق، نشان‌دهنده سه تبیین‌اند. از یک سو، وضعیت موجود در فارسی (Dem N, N Rel) وضعیت غالب است که در رقابت با هماهنگی قرار دارد. از سوی دیگر، تبیین سنگینی (بند موصولی > مضاف‌الیه > صفت > حرف تعریف، عدد) است که طبق آن در زبانی با وضعیت آمیخته همچون فارسی، وابسته سنگین (بند موصولی، مضاف‌الیه و صفت) پس از هسته و وابسته سبک (حرف تعریف و عدد) قبل از هسته واقع می‌شود که منظور از سنگینی طول کلمه، تعداد تکواژها، عناصر معنامند و نقش‌مند است که قابل اندازه‌گیری‌اند. سنگینی از الگوی هماهنگی ساختاری که بازنمایی به صورت یک قاعده (اول هسته بعد وابسته و برعکس) دارد، پیروی نمی‌کند. از براین‌د این نیروهای در رقابت، وضعیت موجود در زبان حاصل می‌شود. خود این نیروها / انگیزه‌ها تبیین‌هایی در سطح خرد هستند که نیازمند تبیین‌های کلان‌تر همچون پردازش‌اند. به‌عنوان مثال، در الگوی هماهنگی به دلیل عوض‌نشدن پارامترها پردازش راحت‌تر و فرایند زبان‌آموزی کودک سهل‌تر است.

۷. جایگاه وقوع موصولی‌سازی

پیشتر اشاره شد که ناهماهنگی مقوله‌ای در بند موصولی فارسی وجود ندارد، یعنی نقش تئای معنایی و نقش نحوی سازه محوری/هسته اسمی در بند موصولی مستقل از نقش‌هایش در بند اصلی است. هر نقشی در هر زبانی قابل دسترس برای موصولی‌سازی نیست، یعنی زبان‌ها تعداد نقش‌های قابل دسترس را محدود می‌کنند. در فارسی همانند انگلیسی، تمامی نقش‌های نحوی، قابل دسترس برای موصولی‌سازی است، یعنی در جایگاه‌های مختلف می‌تواند موصولی‌سازی کند. سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های دستوری برای موصولی‌سازی در فارسی

براساس سلسله‌مراتب نقش‌های دستوری (Keenen and Comrie, 1977) درجه‌بندی می‌شود.



شکل (۲): سلسله‌مراتب تلویحی و نشاننداری

از راست به چپ سلسله‌مراتب وقوع است که حاکی از آن است که اگر قرار است فارسی تنها در یک جایگاه موصولی‌سازی کند، آن جایگاه فاعل است. از مطالعه سلسله‌مراتب، نشاننداری (از حداقل نشاننداری تا حداکثر نشاننداری) نیز به دست می‌آید، یعنی بی‌نشان‌ترین انتخاب فاعل است، بعد از آن مفعول صریح است و ... از چپ به راست سلسله‌مراتب تلویحی است که حاکی از آن است که اگر زبانی در جایگاه اضافی موصولی‌سازی کند، حتماً در جایگاه مفعول متممی ساخت موصولی دارد.

تبیین این همگانی از نوع شناختی است، یعنی از کل فضایی که حوزه شناخت جایز دانسته است و همه امکانات زبانی را دارد، زبان فارسی کل آن فضای مفهومی را استفاده می‌کند و برش می‌زند و آن برش یا نقشه معنایی تابع نظم و زبان ویژه است.

۷-۱. حضور بند موصولی در جایگاه‌های موضوع براساس نقش هسته

گروه اسمی مرکب (هسته اسمی و بند موصولی توصیفی) در هر جایگاه نحوی (فاعل، مفعول، مفعول حرف اضافه، مضاف‌الیه) پیش از فعل که امکان ظهور اسم در آن وجود دارد، می‌تواند ظاهر شود. هسته در بند اصلی نیز نقش‌های گوناگون (فاعلی، مفعولی، متممی، مضاف‌الیهی) دارد:

۱- ساخت موصولی در جایگاه و نقش فاعل

(۲۰) دانشجویی که باید با هر یک از استادها صحبت کند، بیمار است.

۲- ساخت موصولی در جایگاه و نقش مفعول صریح

(۲۱) تفنگی را که همیشه خدا در گوشه اتاق خواب می‌گذاشت، برداشت و در تاریکی یک خشاب تیر درکرد.

۳- ساخت موصولی در جایگاه و نقش مفعول غیرصریح

(۲۲) من به دانشجویی که باید با هر یک از استادها صحبت کند، پیغام دادم.

۴. ساخت موصولی در جایگاه و نقش مفعول متممی

(۲۳) من با دانشجویی که باید با هر یک از استادها صحبت کند، به مسافرت رفتم.

(۲۴) از تو به خاطر کمکی که به مادرم کردی، سپاسگزارم.

۵. ساخت موصولی در جایگاه جزء اسمی فعل مرکب

(۲۵) با دستش حرکت تحقیرآمیزی -- کرد که مفهومش «خاک تو سرت» بود.

(۲۶) او به مردم ستمی --- کرد که هرگز از خاطره‌ها نخواهد رفت.

(۲۷) او حرفی -- زد که تاکنون هیچ کس نظیرش را نشنیده بود.

۶. هسته ساخت موصولی در نقش مضاف‌الیه/مالک/وابسته ساخت اضافی.

(۲۸) امید از این که توانسته خودش از پسر مردی که زمین‌گیر است انتقام بگیرد خشنود است.

۲-۷. حضور بند موصولی توصیفی در جایگاه موضوع براساس نقش

ضمیرهم‌مرجع با هسته

بند موصولی توصیفی براساس نقشی که ضمیر (هم‌مرجع با هسته) در بند موصولی دارد، به چهار شکل (فاعلی، مفعولی، متممی، مضاف‌الیه‌ی) ظاهر می‌شود:

۱- اگر هسته با فاعل بند پیرو هم‌نمایه باشد، فاعل غیرمؤکد حتماً حذف می‌شود:

(۲۹) مردهایی که --- لباس کهنه پوشیده بودند، در آمدوشد بودند (هسته: فاعل).

(۳۰) این دیدگاه مواردی را -- که بسیار مهم هستند، نادیده می‌گیرد (هسته: مفعول).

(۳۱) پول به آن مردی --- که کت و شلوار ارزونی پوشیده بود، دادم (هسته: متمم).

(۳۲) به ته پیه‌سوزی که --- جلو مومیایی بود، ماده سیاهی چسبیده (هسته: مضاف‌الیه).

۲- اگر هسته با مفعول صریح بند پیرو هم‌نمایه باشد مفعول صریح به اختیار حذف می‌شود.

(۳۳) شیرازی که [من دیدم] آن شیراز نیست (هسته: فاعل).

(۳۴) پنجره را که وارنر فراموش کرده بود محکم ببند باز کرد (هسته: مفعول).

(۳۵) وارنر از کلمات عجیبی که (آنها را) شمرده شمرده می‌خواند استفاده می‌کرد (هسته: متمم).
 (۳۶) کف پاهای زخمی‌ای که سوز برف آنها را سوزانده بود از حرکت منصرفش کرد (هسته: مضاف).

۳- اگر هسته با مفعول غیرصریح بند پیرو هم‌نمایه باشد جای مفعول غیرصریح حتماً ضمیر می‌ماند. این ضمیر با یک حرف اضافه پیشین همراه است.

- (۳۷) امید آدمی را که در خیابان باهش آشنا می‌شد، دوست می‌داشت (هسته: مفعول).
 (۳۸) مردی که شما کتاب را از ازش/Ø* امانت گرفتی، اینجاست (هسته: فاعل).
 (۳۹) باید با مرد مسنی که ازت ۲۰ سال بزرگتر است، مدارا کنی (هسته: متمم).
 (۴۰) منبع نوری که ازش دود سبزرنگی برمی‌خاست، از دور دیده می‌شد (هسته: مضاف)
 (۴۱) منبع نوری که با دود سبزرنگی مخلوط بود، از دور دیده می‌شد (هسته: مضاف‌الیه).

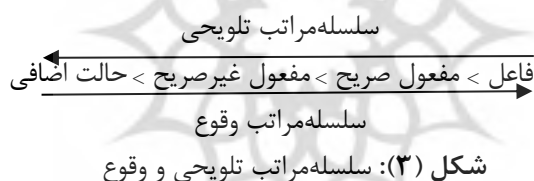
۴- اگر هسته بند اصلی/ پایه با مضاف‌الیه ساخت اضافه در بند پیرو هم‌نمایه باشد، جای مضاف‌الیه، ضمیر می‌ماند. این ضمیر با یک حرف اضافه پیشین همراه است.

- (۴۲) با یک دست گنجشک مفلوکی؛ را که پر و بالش؛ کنده شده بود و چرت می‌زد، به سینه‌اش می‌فشرده (هسته: مفعول).
 (۴۳) امید که در وجودش چیزی می‌جوشید، از اتاق کارش بیرون آمد (هسته: فاعل).
 (۴۴) یک کودک با چشمانی شیطان که برقشان جنگلی را خشک می‌کرد، لفظ قلم حرف می‌زد (هسته: متمم).

(۴۵) دادگاه به همچین مردی؛ اجازه داد [که از کارفرمای خود؛ قسمتی از [حقوقش؛ را [که متناسب با نیاز فرزندانش است]] به طور مستقیم دریافت کند]. (هسته: مضاف‌الیه).

۸. حضور ضمیر ابقائی

بند موصولی می‌تواند با توجه به نحوه صورت‌بندی هسته (به صورت ضمیر ابقائی، ضمیر موصولی، گروه اسمی، خلاء) در بند نیز طبقه‌بندی شود. زبان فارسی در بند موصولی از ضمیر ابقائی، خلاء/گروه اسمی محذوف استفاده می‌کند. حضور ضمائر بسته به نقش هسته اسمی بند موصولی طبق اصل سلسله‌مراتب دسترسی قابل پیش‌بینی است. یعنی اگر در زبانی هسته بند موصولی نقش مفعول صریح را داشته باشد و ضمیر ابقائی در آن به کار رود، در مورد بندهای موصولی که هسته آنها نقش مفعول غیرصریح یا اضافی است نیز، ضمیر ابقائی به کار می‌رود. اگر قرار است فارسی تنها در یک جایگاه ضمیر ابقائی بگذارد، آن هم جایگاه اضافی است.



سلسله‌مراتب رابطه‌های دستوری به عنوان مشاهده صوری از مطالعات رده-شناسی به دست می‌آید. این که چرا به صورت غالب، رابطه دستوری چنین توزیعی دارد، یعنی در زبان‌ها در ساخت‌های موصولی، فاعل بالاتر از مفعول و مفعول صریح بالاتر از مفعول غیرصریح و ... صورت‌بندی می‌شود، ممکن است تبیین صوری، معنایی و پردازشی داشته باشد. اگر نگاه نقشی داشته باشیم، تبیین پردازشی دارد. طبق بررسی آماری رشیدی (۱۳۸۹: ۱۶۱) از گروه‌های اسمی مختلف براساس

طبقه‌بندی پرینس^۱ (1981:252) در جایگاه نهاد به این نتیجه می‌رسد که بیش از ۸۰ درصد گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد، انتقال اطلاع کهنه‌شنونده‌بنیاد را انجام می‌دهند. یعنی گروه‌های اسمی که در جایگاه نهاد جمله به کار می‌روند، از میزان آشنایی بالایی برای شنونده برخوردارند و آنجا محل حضور اطلاع کهنه‌شنونده است، اطلاعی که از طریق ارجاع یا موقعیت، برای شنونده قابل بازیافت است. اطلاع کهنه‌شنونده برای پیام اصلی زمینه‌چینی می‌کند. یعنی وقتی اطلاع آشناتر مقدمه می‌شود تا اطلاع نو را دریافت کنیم، پردازش آسانتر خواهد شد. از نگاه دستوری باید گفت در ۹۰ درصد زبان‌ها فاعل قبل از مفعول می‌آید. از نظر معنایی نمونه‌اعلای فاعل، آن است که نقش تتای کنش‌گر دارد و نمونه‌اعلای مفعول، آن است که نقش تتای پذیرا دارد، یعنی مفهوم کنش‌گر برجسته‌تر از پذیرا و پذیرا برجسته‌تر از بهره‌ور و بهره‌ور برجسته‌تر از وسیله و ... است.

۹. لانه‌گیری بند موصولی

درونه‌گیری بند موصولی در هر جایگاهی ممکن است، اما بسامد وقوع آنها به مراتب کمتر از بندهای درونه‌گیری نشده است. از نظر روان‌شناسی هم زبان لانه‌گیری کمتر می‌کند تا پردازش آسانتر شود. زیرا درونه‌گیری از قابلیت درک جمله می‌کاهد و این امر ممکن است به دلیل محدودیت حاکم بر حافظه انسان باشد. زیرا ذهن قبل از رسیدن به فعل جمله اصلی باید جمله دیگری را پردازش کند. یعنی بسامد بالای یک چیز با نظام شناختی انسان و ضرورت ارتباطی مرتبط است.

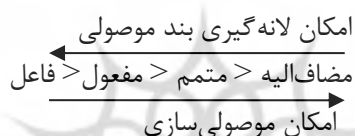
1. Prince

(۴۶) آدم مثبت و منفی که همان مطلق خیر و شری که از منظر راوی وجود ندارد است دربارهٔ هیچ کس حکم نمی‌کند.

(۴۷) محکومی که من خوراک مارچوبه را که همیشه آرزو داشت بخورد دیدم.

(۴۸) به راهنمایی اولاد که زیر لب از نبردی که کمی دیگر به راه می‌انداختند، می‌گریید و ناخشنود بود، در دو دالان آن سوتر به یک راه‌پله که در پس آن آشپزخانه قرار داشت، رسیدیم.

(۴۹) نوری که با دود سبز رنگی که از پر سوخته برمی‌خاست، مخلوط می‌شد...



شکل (۴): امکان لانه‌گیری بند موصولی و امکان موصولی‌سازی

۱۰. حرکت بند موصولی

از میان انواع نحوی بندهای موصولی، تنها بند موصولی پسااسمی می‌تواند از جایگاه اشتقاق در پایه حرکت کنند و به جایگاه پس از فعل حرکت کنند.

از میان انواع معنایی بندهای موصولی پسااسمی فارسی، تنها بند موصولی توصیفی حرکت بند را از هر جایگاه نحوی مجاز می‌داند.

(۵۰) دانشجویانی می‌توانند در این کلاس شرکت کنند که درس ساخت زبان را گذراندند (گروه اسمی مرکب فاعلی).

(۵۱) وارنر پیه سوز جلو مومیایی را روشن کرد که مادهٔ سیاهی ته آن چسبیده بود (گروه اسمی مرکب مفعولی).

(۵۲) او به مردم ستمی --- کرد که هرگز از خاطره‌ها نخواهد رفت (گروه اسمی مرکب: جزء اسمی فعل مرکب).

(۵۳) تعدادی از نویسندگان معاصر، بومی زبانان لهجه‌هایی -- هستند که می‌کوشند آنها را به نمایش گذارند (گروه اسمی مرکب: مسند).

(۵۴) پول به آن مردی دادم که کت و شلوار ارزونی پوشیده بود (گروه اسمی مرکب متممی).

(۵۵) منبع نوری از دور قابل رویت بود که ازش دود سبز رنگی برمی‌خاست (گروه اسمی مرکب: مضاف‌الیه).

حرکت بند موصولی توضیحی در جملاتی که دارای افعال متمم‌پذیر (مانند دیدن، شنیدن) و افعال ایستایی (مانند داشتن، بودن) به صورت اجباری و در جملاتی که هسته بند موصولی گروه اسمی معرفه یا نکره باشد، به صورت اختیاری رخ می‌دهد. علت عدم رخداد حرکت بند موصولی توضیحی در همه انواع آن این است که بند موصولی توضیحی بخشی از منحنی آهنگی بند اصلی نیست و جمله حاوی بند موصولی توضیحی دارای دو گروه آهنگی است. بنابراین، هنگام حرکت بند، تعبیر توالی بهم‌خورده بندها بسیار دشوارتر می‌شود.

(۵۶) دو ماشین دیدم که به هم خورده بودند.

(۵۷) ازم عذر خواست و یک کتاب بهم جایزه داد که هنوز دارمش.

(۵۸) آشپزخانه دو پنجره بزرگ دارد که جلو آنها نرده آهنین کشیده‌اند.

(۵۹) آنها کتاب را در زیرزمین گذاشتند که محل مناسبی نیست.

(۶۰) * دیروز حجت‌الشریعه پیش من بود که --- شخص شریفی است.

(۶۱) * اصفهان شهر تاریخی ایران است که (آن را) نصف جهان نیز می‌نامند.

(۶۲) * شیراز زادگاه شاعران جهان است که ما سال گذشته از آن بازدید کردیم.

بند موصولی آزاد به‌عنوان موضوع بند اصلی نقش ایفاء می‌کند و هسته به آن منضم شده است. بنابراین قادر به حرکت نیست.

(۶۳)* هرچه خطا بود که گفتی:

درواقع، از نظر دستوری شرط حرکت بند به نوع هسته، نوع فعل و افزوده (اختیاری) یا موضوع (اجباری) بودن بند موصولی بستگی دارد: بند موصولی توصیفی > بند موصولی توضیحی > بند موصولی آزاد.

کرافت (2003:148) سه اصل همگانی کاربردشناختی و ساخت اطلاعی را مطرح می‌کند که انگیزه‌های در رقابت هستند، یعنی نیرویی مثل ساخت اطلاع نیروی دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد: (۱) مفاهیم مرتبط با هم تمایل دارند که با هم خوشه‌ای را تشکیل بدهند، مثلاً بند می‌خواهد سر جای خود، کنار مرجع‌اش بماند و حرکتی انجام ندهد، در حالی که حرکت‌ها به دلیل وجود نیروهای در رقابت اتفاق می‌افتند؛ (۲) تمایل و صورت غالب بسیاری از زبان‌های دنیا این است که اطلاع کهنه اول بیاید و اطلاع نو دوم. اطلاع نو و کهنه شنونده‌محور است، زیرا اطلاع کهنه برای پیام اصلی و خبر اصلی زمینه‌چینی می‌کند، یعنی وقتی چیزهایی که برای ما آشنا تر است مقدم شود و آماده شویم تا آن خبر نو را دریافت کنیم، پردازش آسانتر می‌شود؛ (۳) گوینده تمایل دارد مطلبی که در ذهنش برجسته‌تر است، پیش‌آیند کند. بنابراین، برجستگی ذهنی^۱ گوینده (چینش سازه‌ها) یک بازنمایی در ساختار دارد.

1. psychologically prominent

بند موصولی اطلاع کهنه است و در کنار مرجع‌اش قرار دارد. نیروی (۱) می‌خواهد بند، کنار مرجع‌اش باشد. هنگامی که بند موصولی به جایگاه پس از فعل حرکت می‌کند، انگیزه (۱) در رقابت با انگیزه‌های (۲) و (۳) قرار می‌گیرد، زیرا مطابق آن، چیزی که برای گوینده ممکن است برجسته باشد، پیش‌آیند می‌شود. گاهی سازه پس‌آیندشده برجسته است و نویسنده می‌خواهد با پس‌آیندسازی اطلاع نو و کانونی را درباره چیزی برجسته کند. از طرفی دیگر، ممکن است حرکت بند موصولی به جایگاه غیرفاعل به سبب ساخت اطلاعی آن باشد. جایگاه پایانی جمله جایگاه اطلاع نو است. هر چه به آخر جمله می‌رسیم، قابل توجه‌بودن^۱ بیشتر می‌شود. بنابراین، در جمله‌هایی که بند در کنار هسته واقع است، اصل (۱) احراز می‌شود و در جمله‌هایی که بند حرکت کرده، اصل (۲) احراز می‌شود. یعنی هر دو شق در زبان یافت می‌شود و آن که بسامد رخدادش بیشتر است، شق بی‌نشان است.

۱۱. نتیجه‌گیری

مطالعه داده‌بنیاد بروی ساخت‌های موصولی فارسی نشان می‌دهد ساخت موصولی در زبان فارسی از طریق راهبرد اشتقاق در پایه صورت‌بندی می‌شود، یعنی هسته اسمی، متمم‌نما و ضمیر ابقایی / خلاء، هیچ یک حاصل حرکت نیستند. وقوع هسته بند موصولی که آغازگر ساخت موصولی است، از سلسله‌مراتب معرفگی پیشنهادی کرافت تبعیت می‌کند. ترتیب جایگاه حرف تعریف، هسته اسمی و بند موصولی در زبان فارسی، ما را به این تعمیم همگانی هدایت می‌کند که اگر ترتیب هسته اسمی بند موصولی در زبان بود، آنگاه ترتیب حرف تعریف اسم خواهد بود و تبیین آن سنگینی در مقابل هماهنگی است. در فارسی تمامی نقش‌های نحوی قابل دسترس برای

1. newsworthy

موصولی‌سازی است، یعنی در جایگاه‌های مختلف می‌تواند موصولی‌سازی کند، اما امکان لانه‌گیری بندهای موصولی در سلسله‌مراتب دسترسی از پایین به بالا است.

منابع

- رشیدی، ناصر. (۱۳۸۴). «رابطه ساخت اطلاعی جمله و گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد جمله‌های فارسی معیار». *دستور*. ۶: ۱۵۰-۱۷۳.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۰). *گفتارهایی در زبان فارسی*. تهران: هرمس.
- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology*. Oxford: basil Blackwell.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. Second Edition, Cambridge: University Press.
- De vries, M. (2001). "Patterns of relative clauses". *Nederlandse Taalkunde*. 16: 273-306.
- Karimi, S. (2001). "Persian complex DPs: How mysterious are they?". *Canadian Journal of Linguistics*. 46: 63-96.
- Keenen, E. (1985). "Relative clauses". In T. Shopen (ed). *Language Typology and Syntactic Description*. Volume II. Complex Constructions. Cambridge, London: Cambridge University Press. 141-170.
- Keenen, E. & B. Comrie. (1977). "Noun phrase accessibility and universal grammar". *Linguistic inquiry*. 8: 63-99.
- Keenen, E. & B. Comrie. (1979). "Data on the noun phrase accessibility hierarchy". *Language* 55: 333-51.
- Prince, E. (1981). "Toward a Taxonomy of given-new information". In P. Cole (ed.): *Radical Pragmatics*. NY: Academic press. 223-256.